



گفت و گو در دور باطل «تعهد» یا «تخصص» مسأله این است

ابوب آقایی



دانش دارد و برای خودش فرد شاخصی است. وجود حساسیت، توجیه خوبی برای محروم کردن از تباطؤ یک استاد با دانشجویانش نیست، بسیاری از استادان که شاخصیت حضور در دانشگاه هستند، به این دلیل غایبند. امروز اگر به فکر برون رفت از این وضعیت فرهنگی ایران بپردازیم، اگر باید اعتماد به ادم‌های فرهنگی را بیاموزیم، اگر این دو مشکل را حل کنیم، به شما قول می‌دهم وضع دانشگاه خیلی بهتر شود. اما امروز وضع چیز دیگری است. امروز ادم‌های صاحب درایت، هنر و توان برای تدریس، حضور کم‌ترگی در دانشگاه‌های هنر دارند و انهایی هم که حضور دارند، آمار آمار انگیزه‌های خود را به خاطر مسائل اقتصادی و دانشجویان بی‌انگیزه از دست می‌دهند و حاشیه‌گری می‌کنند. در چنین شرایطی دانشجویان از استادی که برای تدریس در دانشگاه حضور پیدا می‌کنند، بیشتر می‌دانند. من نوعی متخصص هستم که دولت نمی‌خواهد از من استفاده کند. در چنین شرایطی چه کاری می‌توانم انجام دهم؟ منظور من از لفظ دولت، دولت هم، دولت بزرگ، دولت کوچک، دولت نام‌ها نیست. منظور من مفهوم دولت به معنای عام کلمه است و درباره برخورد آن با دولت تخصص و تعهد صحبت می‌کنم. من به عنوان یک نیروی متخصص، خودم را معرفی می‌کنم و می‌گویم من به خدمت، حالا و باید در خدمت، توان و استعداد استفاده از این نیروها را داشته باشم. اگر چنین نباشد، جز این که مدام بگویم من هستم، کاری از دست من بر نمی‌آید. همواره با این دو دگرگند برای بیان نامناسب بودن شرایط می‌گویم. من دیگر با این شرایط کار نمی‌کنم، مشکل ششام، می‌گویم من هستم.

امروز به چی فکر می‌کنی؟



این تعهد من وظیفه من در قبال جامعه خودم است، به شرط آن که شما هم، مرا درست ببینید. ببینید چه کارهایی از دست من برمی‌آید و از من استفاده کنید. بسا این وجود، اگر قرار باشد عده‌ای متوجه نباشند که «هستم» من با «هستم» آقای متوجه بی تخصص فسق دارد، نمی‌توانم به دولت کمک کنم این موضوع نشان می‌دهد ما دوری باطل، هم گفتگو می‌کنیم و قرار نیست گفتگوهای ما، در نقطه‌ای همدیگر را قطع کنند. آنها باید تصمیم بگیرند، می‌خواهند بودگی چه چیزی، چه‌بهایی بپردازند و از سوی دیگر باید نشان دهند، می‌خواهند

امروز با مولانا

گشت استا سست از وهم و ز بیم
خشمگین با زن که مهر اوست سست
خود مرا آگه نکرده از رنگ من

بر جهید و می کشانید او گلیم
من بدین حالم نرسید و نجست
قصد دارد تا زهد از ننگ من

برش

نقش قلم از نقش زبان، شمشیر، در هم و دینار، شهرت و فرزند بیشتر است. زیرا قلم تجربه قرن‌ها را به هم منتقل می‌کند و فرهنگ را رشد می‌دهد. افسرد را با قلم می‌توان خوب یا بسیار کرد. ملنسی را می‌توان با قلم، عزیز یا لایل کرد. است قلم سندن رسمی است. قلم گزارشگر تاریخ است.

● سوگند به قلم، نشانه فرهنگ و تمدن است. با قلم بر قلب، تکه بر سندن و استدلال است. رابطه سده صا امتیاز دارد. صا قلم دانشمندان، صا پای مجاهدان، صا چرخ ریسندگان، آری امتی عزیزاست که علم و قدرت و اقتصاد

نقش قلم از نقش زبان، شمشیر، در هم و دینار، شهرت و فرزند بیشتر است. زیرا قلم تجربه قرن‌ها را به هم منتقل می‌کند و فرهنگ را رشد می‌دهد. افسرد را با قلم می‌توان خوب یا بسیار کرد. ملنسی را می‌توان با قلم، عزیز یا لایل کرد. است قلم سندن رسمی است. قلم گزارشگر تاریخ است.

● سوگند به قلم، نشانه فرهنگ و تمدن است. با قلم بر قلب، تکه بر سندن و استدلال است. رابطه سده صا امتیاز دارد. صا قلم دانشمندان، صا پای مجاهدان، صا چرخ ریسندگان، آری امتی عزیزاست که علم و قدرت و اقتصاد

بک خبر | یک نگاه

مشکلات زنان سرپرست خانوار و هم‌افزایی سازمان‌های دولتی

زنان سرپرست خانوار دلا درگاه دگر فقط بحث طرفدار حقوق زنان نیست. علاوه بر موسسات مردم نهادی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، در سراسر محلات برای توانمندسازی زنان در نظر گرفته و گه‌گاه کمک‌هایی برای ایجاد یک کسب و کار برایشان انجام داده‌اند. شنیدن این سخنان امید بخش است. به‌ویژه که او در همین صحبت‌ها که در ایستگاه مترو شنیدند از لزوم هماهنگی سازمان‌های بخش‌های مختلف دولتی خبر داد. اما چیزی که در صحبت‌های او خالی است، نبود نامی از سازمان‌های مردم‌نهاد است. در شرایطی که فعالیت‌های هر چند کوچک آنها می‌تواند به طی سببی که برای حل مشکلات توانمندسازی زنان و زنان سرپرست خانوار در نظر گرفته شده سرعت ببخشد.

شاطر

جمع آوری زباله‌ها در ارتفاعات و لتجک



جمع آوری زباله در ارتفاعات و لتجک

بی مناسبت



رواج وقف، سرمایه‌ای برای بچه‌های ایران

علی‌اکبر عبدالرشیدی



ثوابی که در قبال آن وجود دارد، گذر کنیم و به جالب‌اختن این فرهنگ را جامعه‌ریسم، خواهیم دید چند موضوعی، تا جگجا و تا چه حد می‌تواند در ارتقای سطح تعاملات جامعه تأثیر داشته باشد. فرهنگ وقف در جامعه به غیر از امکاناتی که برای افراد در حوزه‌های مختلف موجود می‌آورد، باعث بوجود آمدن نوعی از خودکشتگی و در فکر دیگران بودن و شیوع آن در جامعه می‌شود. این اعتقاد وجود دارد اگر افرادی در جامعه هستند و این توانایی را دارند که می‌توانند در کار خیر شرکت کنند، درنگ نکنند چرا که با انجام این کار به خود لطف کرده‌اند، زسر زمانی که به یک نفر کمک می‌کنند، قدرت تولیدکنندگی به کسی می‌بخشد که از توانایی‌های موردنظر، به‌طور است. کار خیر در کشور ما در برخی زمینه‌ها مغفول مانده که جای تأسف است. باید به‌طور جدی در این زمینه، تجدیدنظر کنیم. اکنون بیشتر خیرین، کار خیر را در موضوعاتی مثل ساختن مدرسه و مسجد محدود می‌دانند که

گذشته کار خیر در کشور ما نشان می‌دهد، مردم به‌صورت مستقیم به کار خیر نمی‌پردازند. ملاحظاتی در قدیم مردم از تشنگی، کج می‌بردند، خیرین به‌جای دادن شکر آب به مردم، مریخ ترشح می‌دادند که آبشان سازند یعنی مشکلات را از ریشه حل می‌کردند. یا این که بیشتر بازارهای قدیم وقف بوده است زیرا این عقیده وجود داشته است که هر کس در محل درآمدی برای انجام کار خیر به‌دست آید، اشتغالزایی نیز صورت گیرد. متأسفانه این فرهنگ در این زمان آب رفته است. مردم باید یاد بگیرند که اگر هر کس درآمدی دارد، باید در مدرسه ساخته می‌شود. مثل این است که هر کس درآمدی تأسیس کتابخانه‌ای را داشته باشد، اگر هر کدام از ما، یک کتاب هدیه دهند، کتابخانه تمام است. اما باید در این زمینه فرهنگ‌سازی کنیم که اگر کسی کار خیر انجام می‌دهد، با فرهنگ تاریخ این کشور معامله می‌کند نه منابع شخصی، بلکه گلهی برای بچه‌های ایران برداشته‌است.

زمانی که سخن از توسعه یا توسعه اجتماعی می‌آید، ناخودآگاه و بزرگی‌هایی به ذهنمان خطور می‌کند که روابط مردم با مردم و ملت و دولت را به تصویر می‌کشد. روابطی که میان مردم به‌صورت مستقیم و دایمی رواج دارد و تعاملات حوزه‌های مختلف با صورت می‌دهد که تعاملات سازنده جامعه است.

به همین دلیل، جامع نسبت به ناه و ناه که می‌باشد، این جامعه دارند، تعریف می‌شوند. یکی از رفتارهای مفید در جامعه که شکل فرهنگی دارد و در این حوزه می‌تواند مفید باشد، «وقف» است. متأسفانه این روش‌ها برخی کسانی که کار خیر انجام می‌دهند، در قبال آن برای خود حقی قابل می‌شوند یا دنبال خیر آن توسط جامعه هستند. اما اگر از نفس کار خیر و